

مقاله‌ی پژوهشی

مقایسه‌ی ویژگی‌های ترسیمی کودکان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در آزمون ترسیم خانواده

خلاصه

*عادلہ اصلی پور

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی،
دانشگاه گیلان

موسی کافی

دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه گیلان

مهناز خسروجاوید

استادیار روان‌شناسی، دانشگاه گیلان

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی ویژگی‌های ترسیمی کودکان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در آزمون ترسیم خانواده است.

روش کار: این پژوهش علی‌مقایسه‌ای در اردیبهشت ۱۳۸۸ با نمونه‌ای شامل ۲۶ دختر و ۸ پسر ۷ تا ۱۰ ساله انجام شد که ۱۳ دختر و ۴ پسر در هر کدام از گروه‌های ساکن مرکز شبانه‌روزی و خانوادگی قرار داشتند. کودکان پرورشگاهی به شیوه‌ی در دسترس از مرکز شبانه‌روزی و کودکان غیرپرورشگاهی به شیوه‌ی تصادفی از مدارس ابتدایی شهر رشت انتخاب شدند. آزمون ترسیم خانواده به شیوه‌ی کرمن استفاده گردید و از آزمودنی‌ها خواسته شد با مداد، خانواده‌ای را که دوست دارند به تصویر بکشند. درباره‌ی نقش، جنس، سن و احساس اشخاص ترسیم شده نسبت به هم و این که کودک دوست دارد جای کدام یک از افراد باشد، پرسش گردید. تحلیل آماری داده‌ها در مورد شاخص‌های ترسیم خانواده بر اساس آزمون آماری مجذور خی انجام شد.

یافته‌ها: در شاخص‌های محتوایی ترسیم خانواده شامل اولین فرد ترسیم شده، بزرگ‌ترین فرد، همسان‌سازی کودک، آخرین فرد ترسیم شده، حذف کامل فرد و در شاخص‌های ترسیمی مانند وسعت ترسیم، نیروی خطوط ترسیم، جهت ترسیم و فاصله‌ی کودک از والدین، بین کودکان دو گروه تفاوت معنی‌داری دیده نشد و فقط در مورد افزودن فرد جدید، تفاوت بین دو گروه معنی‌دار بود ($P=0/039$). تعارضات کودکان پرورشگاهی بیشتر پیرامون والدین بود در حالی که در مورد کودکان غیر پرورشگاهی، تعارضات میان کودک با سایر کودکان در خانواده دیده شد.

نتیجه‌گیری: بر اساس آزمون ترسیم خانواده تعارضات کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی متفاوت است.

*مؤلف مسئول:

ایران، رشت، دانشگاه گیلان، دانشکده‌ی
ادبیات و علوم انسانی، گروه روان‌شناسی
adelehaslipoor@gmail.com

تاریخ وصول: ۸۹/۴/۲۸

تاریخ تایید: ۸۹/۹/۷

واژه‌های کلیدی: آزمون ترسیم خانواده، پرورشگاهی، کودک

پی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید کمیته‌ی پژوهشی و با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه گیلان انجام شده و با منافع شخصی نویسندگان ارتباطی نداشته است. از سازمان آموزش و پرورش، بهزیستی رشت، مدیران مدارس و مرکز شبانه‌روزی و افرادی که در اجرای این پژوهش ما را یاری نمودند، قدردانی می‌نمایم.

*Original Article***A comparison of drawing characters of orphanage children and non-orphanage in Draw-a-Family Test****Abstract**

Introduction: The purpose of the present project is to compare drawing characters of orphanage children and non-orphanage in draw a family test.

Materials and Methods: This is a causal-comparative study which was done in April-May 2009. The sample consisted of 13 girls and 4 boys aged 7-10 in each of orphanage and non-orphanage groups. Orphanage group were selected from boarding house by available sampling and non-orphanage group were selected from Rasht elementary schools randomly. In this project Draw-a-Family Test has been performed by Corman procedure. Thus, the participants were asked to imagine a desirable family and draw it on the paper. Then, each child was asked about the role, age and the feeling of illustrated people toward each other and the character he liked to be instead. Data was analyzed by chi-square test.

Results: Results indicated that in content indexes of Drawing-a-Family Test, such as the first drawn person, the biggest drawn person, the child identification issue, the last drawn person, the complete remove person and in drawing indexes of the test such as the extend of draw, the force of drawn lines, draw orientation, the child distance to parent, no significant difference was found between two groups, but there was a significant difference about add new person index between two groups ($P=0.039$).

Orphanage group showed conflicts about the parent, while non-orphanage group had conflicts about the children of the family.

Conclusion: According to Draw-a-Family Test, orphanage and non-orphanage children have different conflicts.

Keywords: Child, Draw a family test, Orphanage

*Adeleh Aslipoor

M.Sc. in general psychology,
Guilan University

Moosa Kafi

Associate professor of
psychology, Guilan University

Mahnaz Khosrojauid

Assistant professor of
psychology, Guilan University

*Corresponding Author:

Department of psychology,
Faculty of humanities sciences,
Guilan University, Rasht, Iran
adelehaslipoor@gmail.com

Received: Jul. 19, 2010

Accepted: Nov. 28, 2010

Acknowledgement:

This study was approved and financially supported by the research committee of Guilan University. The authors had no conflict of interest with the results.

Vancouver referencing:

Aslipoor A, Kafi M, Khosrojauid M. A comparison of drawing characters of orphanage children and non-orphanage in draw a family test. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2010; 12(4): 674-83.

مقدمه

نقاشی یکی از ابزارهای مفید و کارآمد در فعالیت‌های پژوهشی روان‌شناسی و روان‌پزشکی کودک و نوجوان است. نقاشی کودک از زمره فعالیت‌هایی است که تحت تاثیر تحول شناختی، عاطفی و اجتماعی قرار می‌گیرد. نقاشی به منزله‌ی آزمون هوش است. کودکان در ترسیم افراد اطراف خود، آن‌ها را در آن‌ها می‌بینند و می‌کشند، بلکه به گونه‌ای که آن‌ها را درک می‌کنند یا دقیق‌تر به گونه‌ای که خود را درک می‌کنند به نقاشی آن‌ها می‌پردازند و این امر بستگی به درجه‌ی رشد و رسیدگی روانی حرکتی کودک دارد. نقاشی به منزله‌ی آزمون شخصیت است و پرده از روی عواطف کودک برمی‌دارد (۱). نقاشی کودکان به عنوان یک اثر مکتوب و قابل نگهداری در طول زمان برای شناخت ویژگی‌های روانی یا حالات عاطفی آنان بسیار باارزش است. کودکان با هر نقاشی و داستان مرتبط با آن، جزیی از وجود یا ویژگی‌های خویش را نمایان می‌سازند و به همین دلیل است که این ابزار وسیله‌ی مناسبی برای راه یافتن به دنیای پر رمز و راز آنان تلقی می‌شود (۲). از دیدگاه روان‌تحلیلی، کودکان از طریق نقاشی آن‌چه را که در ضمیر ناخودآگاه خود دارند و احتمالاً باعث ناراحتی و اضطراب‌شان می‌شود بیان می‌کنند. روان‌تحلیلگران معتقدند که کودکان به هنگام کشیدن یا رنگ‌آمیزی یک تصویر، ناخودآگاهانه گوشه‌هایی از وضع عاطفی خود را بیان می‌کنند. به همین دلیل، تحلیل و بررسی نقاشی کودکان یکی از مهم‌ترین و قابل‌اعتمادترین راه‌های شناخت روان کودکان است و به والدین و مربیان کودک در شناخت مشکلات شخصیتی آن‌ها کمک زیادی می‌کند (۳). در بین آزمون‌های ترسیمی، آزمون نقاشی خانواده^۱ (DAF) برای بررسی اختلالات عاطفی و مشکلات رفتاری و سازشی کودکان و نوجوانان مناسب‌تر است، زیرا کودک قسمت اول زندگی خود را که همانا مهم‌ترین بخش از دوران زندگی اوست در خانواده می‌گذراند و مشکلات عاطفی و رفتاری او ارتباط نزدیک با خانواده دارد (۱). صالحی در یک پژوهش، ارزش تشخیصی آزمون ترسیم خانواده را در شناسایی چگونگی ارتباط کودکان ۴ تا ۶ ساله با

اعضای خانواده مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که به طور کلی تعدادی از علایم تفسیری آزمون فرافکن خانواده از جمله ارزنده‌سازی و نارزنده‌سازی افراد، حذف آن‌ها از ترسیم، نزدیکی بین افراد ترسیم شده و همانندسازی کودک با آن‌ها جهت تشخیص چگونگی ارتباط کودک با اعضای خانواده کارآیی لازم را دارا هستند. به عبارتی دیگر، وقتی کودک والدین خود را در نقاشی ارزنده‌سازی می‌کند یا با آن‌ها همانندسازی کرده و یا آن‌ها را در نزدیکی خود ترسیم می‌کند، احتمالاً با آن‌ها ارتباط خوبی دارد. از سوی دیگر، زمانی که کودک در نقاشی به نارزنده‌سازی والدین می‌پردازد و یا آن‌ها را از نقاشی خود حذف می‌کند، نشان می‌دهد که ارتباط وی با والدین نامناسب می‌باشد (۴). بدرفتاری‌های والدین با کودک و از طرفی دیگر جدا شدن کودک از آن‌ها و زندگی در پرورشگاه صدمات عاطفی و روانی جبران‌ناپذیری به کودک وارد می‌کند (۵). کودکان چگونگی روابط حال و گذشته‌شان را با والدین و خواهران و برادران در نقاشی خانواده فرافکنی می‌کنند و چون تمام زندگی عاطفی‌شان به این روابط وابسته است، می‌توان انگیزه‌های کم و بیش پنهانی رفتار و به ویژه رفتار بیمارگونه‌ی آن‌ها را بر اساس بررسی نقاشی، استنباط و آشکار کرد (۱). پژوهش‌های بسیاری با استفاده از آزمون ترسیم خانواده در زمینه‌ی کودکان پرورشگاهی و کودکان متعلق به خانواده‌های ازهم‌پاشیده انجام گرفته است. از جمله فائض در سال ۱۳۸۴ ویژگی‌های نقاشی خانواده‌ی کودکان طلاق و کودکان غیرطلاق را در مقطع پیش‌دبستانی مورد بررسی و مقایسه قرار داد. یافته‌های حاصل از پژوهش وی نشان داد که بین ویژگی‌های نقاشی کودکان طلاق و غیرطلاق از لحاظ ترسیم خطوط راست، حذف خود، حذف اعضای خانواده، جدا کشیدن یک یا چند شکل از بقیه، ترسیم نشانه‌های منفی احساسات از طریق صورت و نوع والدی که بزرگتر ترسیم می‌شود، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از لحاظ ترسیم خطوط منحنی و ترتیب نقاشی (ترسیم شکل پدر یا مادر به عنوان شخص اول) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (۶). ایروانی، ولی‌زاده و شفیع‌فرد شاخص‌های ترسیمی کودکان

^۱Draw-A-Family

روش کار

پژوهش حاضر از نوع علی‌مقایسه‌ای و جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل تمام دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی مدارس مناطق محروم (محرومیت از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها جهت هم‌تاسازی با خانواده‌های کودکان پرورشگاهی) شهر رشت است که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل بودند و هم‌چنین تمام کودکان دختر و پسر ۷ تا ۱۰ سال که در مرکز شبانه‌روزی شهر رشت حداقل به مدت یک سال زندگی کرده‌اند. نمونه‌ی مورد مطالعه شامل ۲۶ دختر و ۸ پسر بین سنین ۷ تا ۱۰ سال است که به تعداد ۱۳ دختر و ۴ پسر در دو گروه کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی و کودکان ساکن در خانواده‌ی عادی تقسیم شده بودند. به دلیل محدود بودن تعداد کودکان پرورشگاهی در محدوده‌ی سنی مورد نظر، از تمام کودکان در سنین مذکور که جامعه‌ی آماری این گروه را تشکیل می‌دادند و تعداد آن‌ها ۱۳ دختر و ۴ پسر بود، استفاده گردید. ولی در مورد کودکان غیرپرورشگاهی یک دبستان دخترانه و یک دبستان پسرانه به روش تصادفی از میان مدارس مناطق محروم انتخاب گردیدند. قبل از اجرای آزمون از طریق مصاحبه با مدیر هر مدرسه وضعیت خانوادگی کودکان بررسی شد تا از میان کودکانی که با والدین واقعی خود و در خانواده زندگی می‌کردند و اطلاعات دموگرافیک ایشان (سن و جنس) مشابه گروه مورد بود، تعداد ۱۷ نفر (۱۳ دختر و ۴ پسر) به روش تصادفی انتخاب شوند. این پژوهش با اطلاع سازمان آموزش و پرورش و بهزیستی و با مجوز از سوی دانشگاه به عنوان طرح تحقیقاتی و با رعایت محرمانه بودن اطلاعات و مشخصات کودکان در هر دو گروه، انجام گرفت. در این پژوهش از آزمون ترسیم خانواده استفاده گردید. آزمون به شیوه‌ی کرمن اجرا شد. به این صورت که از آزمودنی‌ها خواسته شد تا با استفاده از مداد، خانواده‌ای را که دوست دارند و در ذهن خود مجسم کرده‌اند، بر روی کاغذ به تصویر بکشند. سپس در مورد نقش، جنس، سن و احساس اشخاص ترسیم شده نسبت به هم و این که دوست دارد جای کدام یک از افراد باشد، از کودک سئوالاتی پرسیده شد. اجرای آزمون به مدت یک ماه

خانواده‌های گسسته و ناگسسته را بر اساس آزمون ترسیم خانواده مورد مقایسه قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که بین کودکان طلاق و کودکان عادی در ویژگی‌های ترسیم نقاشی مانند اشتغال سطح کمتری از کاغذ، فاصله‌ی مکانی زیاد نسبت به والدین، میزان بی‌ارزش‌سازی والدین، کوچک‌نمایی در اندازه و قد والدین، استفاده از رنگ و کوچک‌نمایی در اندازه و قد خود، تفاوت معنی‌داری وجود دارد (۷). هاشمی در پژوهشی به مقایسه‌ی آزمون ترسیم خانواده در بین کودکان عادی و کودکانی که در موسسات شبانه‌روزی ساکن هستند، پرداخته است. نتایج نشان داد که بین نقاشی‌های خانواده‌ی کودکان عادی و کودکان پرورشگاهی از لحاظ بازداری کشیدن نقاشی، وسعت ترسیم نقاشی، نیروی خطوط نقاشی، ناحیه‌ی ترسیم نقاشی، پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص در نقاشی، اشخاص ارزنده‌سازی شده، اشخاص نازنده‌سازی شده و فاصله‌ی نزدیک بین افراد تفاوت معنی‌داری وجود دارد (۸). وکیلی در سال ۱۳۷۱ ویژگی‌های نقاشی خانواده‌ی پسران ابتدایی ساکن در پرورشگاه را با کودکان ساکن در خانواده مورد بررسی قرار داد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که بیشتر تعارضات و کشمکش‌های درونی کودکان پرورشگاهی بر تصویر والدین دیده می‌شود و از سوی دیگر، پسرانی که با خانواده‌ی خود زندگی می‌کنند، بیشتر با خواهر و برادر کشمکش دارند (۹). با توجه به مطالعات انجام شده در رابطه با اهمیت خانواده و نقش آن در تربیت فرزندان و رابطه‌ی آن با نقاشی کودکان، مسئله‌ی مطرح این است که آیا در آزمون ترسیم خانواده بین دانش‌آموزان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی سنین ۷ تا ۱۰ ساله، در شاخص‌های ترسیمی و شاخص‌های محتوایی تفاوت وجود دارد یا خیر. منظور از کودکان پرورشگاهی در این پژوهش، کودکانی است که دارای والدین هستند ولی به دلیل مواردی مانند فقر، اعتیاد و مسایل اخلاقی والدین‌شان توسط مراجع قانونی فاقد صلاحیت نگهداری و سرپرستی از فرزندان خود تشخیص داده شده‌اند، لذا این کودکان جهت نگهداری به مراکز شبانه‌روزی سپرده شدند. مقصود از کودکان غیرپرورشگاهی، کودکانی است که در خانه همراه والدین و تحت سرپرستی آن‌ها زندگی می‌کنند.

کودک بیشترین نیروی عاطفی خود را در وی سرمایه‌گذاری می‌کند و آن را به صورت یکی از این موارد نشان می‌دهد. الف- اولین شخص ترسیم شده: در واقع کسی است که کودک به وی فکر می‌کند و توجه خاصی نسبت به او مبذول می‌دارد (۱۱). ب- بزرگ‌ترین شخص ترسیم شده: کودک فرد مورد نظر خود را که از دیگران برایش مهم‌تر است، نسبت به سایر افراد حاضر در نقاشی، بزرگ‌تر ترسیم می‌کند (۱). ج- موضوع همسان‌سازی کودک: کودک به طور صریح می‌گوید که تمایل دارد جای فرد مشخصی باشد و مانند او گردد.

نارزنده‌سازی: در ترسیم خانواده، کودک به نارزنده‌سازی شخصی که در او اضطراب برمی‌انگیزد می‌پردازد و آن را به یکی از اشکال زیر نشان می‌دهد. الف- حذف کامل فرد: وقتی در نقاشی کودک یکی از اعضای خانواده ترسیم نشده باشد، در حالی که آن شخص وجود دارد و در کانون خانواده حاضر است می‌توان نتیجه گرفت که کودک مایل است که وی از بین برود. (۱۱). ب- آخرین شخصیت ترسیم شده: فردی که توسط کودک در نقاشی به عنوان آخرین نفر کشیده می‌شود نشانه‌ی نارزنده‌سازی آن فرد و کم‌اهمیت بودن او در نظر کودک است. این شخص می‌تواند یکی از والدین، خواهر یا برادر، سایر اقوام و حتی خود کودک باشد (۱).

افزودن فردی جدید: گاهی کودکان، افرادی را به اعضای خانواده‌ی خود می‌افزایند که در عمل با آنها زندگی نمی‌کنند. این افراد ممکن است یکی از آشنایان، اقوام و یا حتی شخصیت‌های خیالی و آرزویی باشند. شخصیت‌های آرزویی کسانی هستند که کودکان به گونه‌ای آرزوی همانندسازی با آنها را دارند (۱۱).

شاخص‌های ترسیمی شامل موارد زیر است:

وسعت نقاشی: در ارزیابی نقاشی‌های کودکان به کارگیری فضا نشان‌دهنده‌ی ارتباط و طریقه‌ی واکنش کودک با محیط اطراف اوست. کودکان خجالتی و کمرو و درون‌گرا در گوشه‌ی کاغذ و یا قسمت محدودی از فضای کاغذ، نقاشی می‌کنند و این نشانگر عدم اعتماد به نفس آنها است. در عوض استفاده از بخش قابل ملاحظه‌ای از کاغذ برای نقاشی نمایانگر برون‌گرا بودن نقاش است.

(اردیبهشت ۸۸) به طول انجامید و در مورد کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی در اتاق بازی کودکان و در مورد کودکان خانواده‌های عادی در یکی از کلاس‌ها و به صورت انفرادی و توسط کارشناس ارشد روان‌شناسی انجام گردید و یافته‌های حاصل از نقاشی‌های کودکان برای پایایی بیشتر توسط دیگر محققان این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها در مورد شاخص‌های ترسیم خانواده بر اساس آزمون آماری مجذور خی و آزمون دقیق فیشر انجام شد.

آزمون ترسیم خانواده: این آزمون در ابتدا، توسط اپل و ولف پیشنهاد شد، اما بعدها به طور کامل‌تر به عنوان ترسیم خانواده توسط هالس تدوین شد. این آزمون همزمان با پیشرفت خانواده‌درمانی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شهرت بیشتری به دست آورد. آزمون ترسیم خانواده علاوه بر ویژگی‌های فردی آزمودنی، روابط و نیازهای خانوادگی او را منعکس می‌کند. این آزمون به ویژه برای کودکان و نوجوانانی که صحبت کردن درباره‌ی احساسات‌شان در مورد خانواده برای‌شان دشوارتر است، مفید خواهد بود (۱۰). این آزمون به دو شیوه قابل اجرا می‌باشد: شیوه‌ی پورو و شیوه‌ی کرمن.

در شیوه‌ی اجرای پورو آزمونگر از کودک می‌خواهد که به ترسیم خانواده‌ی خود بپردازد. در حالی که در شیوه‌ی اجرای کرمن آزمونگر از کودک می‌خواهد تا خانواده‌ای را که دوست دارد به دلخواه خود ترسیم کند. تفاوت این دو شیوه‌ی اجرایی در آزادی کودک به هنگام ترسیم می‌باشد. در شیوه‌ی اجرای کرمن زمانی که آزمونگر از کودک می‌خواهد تا خانواده‌ای را ترسیم کند، کودک مختار است که خانواده‌ی خودش یا هر خانواده‌ی دیگری را که تمایل دارد انتخاب کرده و ترسیم نماید. بنا بر این مانند شیوه‌ی اجرایی پورو کودک خود را در برابر مسایل ویژه‌ی خانواده‌اش نمی‌بیند و مکانیسم‌های دفاعی کودک فعال نمی‌گردد (۱۱). در آزمون ترسیم خانواده، شاخص‌های ترسیمی و محتوایی در ارزیابی نقاشی‌های کودکان مورد توجه قرار می‌گیرند که به برخی از آنها که در این پژوهش بررسی شدند اشاره می‌گردد. شاخص‌های محتوایی شامل موارد زیر است: *ارزنده‌سازی*: از دیدگاه روان‌تحلیل‌گری، فرد ارزنده‌سازی شده کسی است که

داشتند. به منظور مقایسه‌ی شاخص‌های ترسیم خانواده بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی از آزمون آماری غیرپارامتریک مجذور خی و توزیع فراوانی و نسبت استفاده گردید (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه نتایج آزمون مجذور خی و آزمون دقیق فیشر

در شاخص‌های محتوایی ترسیم خانواده بین کودکان ساکن شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی

P	کودکان خانواده‌های عادی		کودکان ساکن شبانه‌روزی		شاخص‌های محتوایی در آزمون ترسیم خانواده	اولین شخص ترسیم شده یا برادر
	نسبت فراوانی	نسبت	نسبت فراوانی	نسبت		
۰/۱۳۷	۰/۴۷	۸	۰/۴۷	۸	والدین	اولین شخص ترسیم شده
	۰/۲۹	۵	۰/۰۶	۱	خود	
	۰/۲۴	۴	۰/۲۹	۵	خواهر یا برادر	
	-	-	۰/۱۸	۳	سایر	
۰/۴۰۲	۰/۷۶	۱۳	۰/۶۵	۱۱	والدین	بزرگترین شخص ترسیم شده
	۰/۰۶	۱	-	-	خود	
	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	خواهر یا برادر	
	۰/۰۶	۱	۰/۲۴	۴	سایر	
۰/۲۶۱	۰/۳۵	۶	۰/۷۱	۱۲	والدین	موضوع همسان سازی کودک
	۰/۱۸	۳	۰/۱۲	۲	خود	
	۰/۱۸	۳	۰/۰۶	۱	خواهر یا برادر	
	۰/۲۹	۵	۰/۱۲	۲	سایر	
۰/۵۵۶	۰/۴۷	۸	۰/۲۹	۵	والدین	آخرین شخص ترسیم شده
	۰/۰۶	۱	۰/۲۴	۴	خود	
	۰/۳۵	۶	۰/۲۹	۵	خواهر یا برادر	
	۰/۱۲	۲	۰/۱۸	۳	سایر	
۰/۳۸۳	۰/۱۸	۳	۰/۲۹	۵	والدین	حذف کامل
	۰/۲۹	۵	۰/۴۷	۸	خود	
	۰/۳۵	۶	۰/۱۲	۲	خواهر یا برادر	
	۰/۱۸	۳	۰/۱۲	۲	سایر	
۰/۰۳۹	۰/۲۹	۵	۰/۶۵	۱۱	دارد	افزودن فرد جدید
	۰/۷۱	۱۲	۰/۳۵	۶	ندارد	

با توجه به سؤال پژوهش مبنی بر این که آیا بین کودکان ۷ تا ۱۰ ساله‌ی ساکن مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی در شاخص‌های محتوایی آزمون نقاشی خانواده تفاوت

نیروی خطوط ترسیم، از ورای خط چیزی به طور مستقیم بیان می‌شود که ممکن است نمایانگر حالت‌های روحی یا فکری خودآگاه یا ناخودآگاه خالق آن و یا نشانگر خطوط شخصیت باشد. به طور کلی، قدرت و شدت خط، نشانگر نیروی عاطفی در حین انجام کار در فرد است (۱).

جهت ترسیم کودک: جهت حرکت ترسیم در نقاشی از چپ به راست، نشان‌دهنده یک حرکت طبیعی پیش‌رونده است. در حالی که ترسیم از راست به چپ، به منزله‌ی یک حرکت واپس‌رونده تلقی می‌شود (۱).

فاصله‌ی کودک از والدین: اعضای یک خانواده هماهنگ در نقاشی کودکان، همیشه با هم و دست در دست هم نشان داده می‌شوند. نزدیک شدن دو یا چند شخصیت نشانگر انس و الفت واقعی آن‌ها و یا تمایل کودک به آن است. کودک خودش را نزدیک شخصی نقاشی می‌کند که احساس می‌کند در کنارش راحت است و یا او را بیشتر از همه دوست دارد (۱۱).

نتایج

تعداد ۱۳ دختر و ۴ پسر در هر گروه مورد مطالعه قرار گرفتند. دامنه سنی کودکان در دو گروه ۷-۱۰ سال بود. با توجه به نحوه انتخاب گروه شاهد تفاوت بارزی در متغیر سن و جنس کودکان دو گروه مشاهده نگردید. سطح تحصیلات والدین کودکان ساکن مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی در محدوده‌ی زیر دیپلم می‌باشد، با این تفاوت که تحصیلات ۴۱ درصد مادران کودکان مرکز شبانه‌روزی در مقطع ابتدایی و ۴۷ درصد مادران کودکان خانواده‌های عادی در مقطع راهنمایی است. از سوی دیگر، میزان تحصیلات ۴۱ درصد پدران کودکان مرکز شبانه‌روزی در مقطع راهنمایی و ۳۵ درصد پدران کودکان خانواده‌های عادی در مقطع دبیرستان است. پدر بیشتر کودکان ساکن مرکز شبانه‌روزی بیکار بوده و بیشتر پدران کودکان خانواده‌های عادی، کارگر هستند. تمامی مادران کودکان هر دو گروه خانه‌دار بودند. در گروه کودکان ساکن مرکز شبانه‌روزی، ۳۰ درصد پدران بین ۳۱ تا ۳۵ سال و در مورد کودکان خانواده‌های عادی ۴۱ درصد پدران بین ۳۶ تا ۴۰ سال داشتند. ۴۷ درصد مادران کودکان شبانه‌روزی و ۴۱ درصد مادران کودکان خانواده‌های عادی بین ۲۶ تا ۳۰ سال

وجود دارد، تحلیل یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهند که در تمامی موارد مذکور به جز افزودن فرد جدید، ۶ خانه دارای فراوانی پیش‌بینی شده‌ی کمتر از ۵ بودند، بنا بر این از آزمون دقیق فیشر برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. بین کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی در زمینه‌ی اولین شخص ترسیم شده، تفاوت معنی‌داری دیده نشد ($P=0/137$) و بیشتر کودکان، والدین را به عنوان اولین فرد ترسیم شده انتخاب کردند در مورد بزرگ‌ترین شخص ترسیم شده نیز بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی، تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ($P=0/402$) و بیشتر کودکان، والدین را به عنوان بزرگ‌ترین فرد ترسیم کردند. بین کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی در مورد فرد انتخاب شده برای همسان‌سازی، تفاوت معنی‌داری دیده نشد ($P=0/261$) و بیشتر کودکان مرکز شبانه‌روزی، والدین را برای همسان‌سازی انتخاب کردند و به عبارتی مایل بودند مانند یکی از والدین خود باشند؛ از طرفی کودکانی که در میان خانواده هستند هم والدین و هم خواهر یا برادر را برای همسان‌سازی برگزیدند. در مورد آخرین شخص ترسیم شده بین کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی، تفاوت معنی‌داری دیده نشد ($P=0/556$) ولی بیشتر کودکان حاضر در محیط خانواده نسبت به کودکان مرکز شبانه‌روزی والدین را به عنوان آخرین فرد ترسیم شده، انتخاب کردند. بین کودکان ساکن مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی در مورد حذف کامل فرد تفاوت معنی‌داری دیده نشد ($P=0/383$)، ولی کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی بیشتر به حذف کامل خود از مجموعه‌ی خانواده پرداختند؛ در حالی که کودکان حاضر در خانواده خواهر یا برادران خود را به طور کامل از نقاشی حذف کردند.

جدول ۲- مقایسه نتایج آزمون مجذور خی و آزمون دقیق فیشر

در شاخص‌های ترسیمی آزمون ترسیم خانواده بین کودکان

ساکن شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی

P	کودکان ساکن شبانه‌روزی		کودکان خانواده‌های عادی		شاخص‌های ترسیمی در آزمون ترسیم خانواده	
	نسبت فراوانی	نسبت	نسبت فراوانی	نسبت		
0/169	۱۰	0/59	۶	0/35	محدود	وسعت نقاشی
	۷	0/41	۱۱	0/65	گسترده	
0/688	۱۲	0/71	۱۴	0/82	پرفشار	نیروی ترسیم خطوط
	۵	0/29	۳	0/18	کم‌فشار	
0/688	۱۰	0/59	۸	0/47	واپس رونده	جهت ترسیم طبیعی
	۷	0/41	۹	0/53	طبیعی	
0/271	۱۳	0/76	۱۰	0/59	زیاد	فاصله کودک از والدین
	۴	0/24	۷	0/41	کم	

با در نظر گرفتن $P=0/039$ می‌توان نتیجه گرفت که بین کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی در مورد افزودن فرد جدید، تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد و کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی بیشتر از کودکان حاضر در خانواده‌ی عادی، فرد جدیدی را به جمع خانواده‌ی ترسیم شده اضافه کردند. در زمینه‌ی تفاوت بین

کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی و کودکان خانواده‌های عادی در مورد افزودن فرد جدید، تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد و کودکان ساکن در مرکز شبانه‌روزی بیشتر از کودکان حاضر در خانواده‌ی عادی، فرد جدیدی را به جمع خانواده‌ی ترسیم شده اضافه کردند. در زمینه‌ی تفاوت بین

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود سئوالات بی‌شماری که در زمینه‌ی روایی و پایایی آزمون‌های فرافکن ترسیمی وجود دارد، نقاشی هنوز یکی از پرکاربردترین آزمون‌های مورد استفاده در درمانگاه‌های روان‌شناختی آمریکا است (۱۲). نقاشی ابزاری مفید برای از بین بردن فاصله‌ی بین کودک و مصاحبه‌کننده در اولین جلسه‌ی مصاحبه است و از طرفی به دلیل جالب و لذت‌بخش بودن آن برای کودکان، می‌تواند ترس و اضطراب کودک را کاهش دهد (۱۳). تحقیقات نشان دادند که آزمون ترسیم خانواده برای بررسی عملکرد خانواده و دریافت کودک از روابط با سایر اعضای خانواده مفید است (۱۴). هم‌چنین ماین، کاپلان و کاسیدی^۱ دریافتند که نقاشی‌های خانواده‌ی کودکان می‌تواند در بررسی کیفیت رابطه‌ی دلبستگی کودک‌والد موثر باشد (۱۵). فوری، کارلسون و سروف^۲ خاطرنشان کردند که نقاشی‌های کودکان سنین ۵ تا ۱۱ ساله، به طور موثری نگرش‌ها، ترس‌ها و آرزوهایی را که آن‌ها نتوانستند یا مایل نبودند به صورت کلامی بیان کنند، بازنمایی می‌کند (۱۶). کودکان مراکز شبانه‌روزی از داشتن خانه و خانواده محروم‌اند و در شرایط اجتماعی و عاطفی نامناسبی به سر می‌برند (۵). قرار گرفتن در معرض خشونت‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی در دوران کودکی، با ناسازگاری‌های روان‌شناختی در بزرگسالی مانند افسردگی، اضطراب و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با دیگران مرتبط است. خانه، محیطی امن و حمایت‌کننده برای کودکان است بنا بر این وجود آشفتگی‌ها در خانواده برای کودکان حادثه‌ای غافلگیرکننده می‌باشد (۱۷). در زمینه‌ی وسعت ترسیم یا سطحی از کاغذ که کودک برای به تصویر کشیدن خانواده از آن استفاده می‌کند، بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی تفاوت معنی‌داری دیده نشد که با پژوهش‌های ایروانی و همکاران و هاشمی همخوانی ندارد. ایروانی و همکاران در بررسی نقاشی خانواده‌ی کودکان طلاق و غیرطلاق دریافتند که کودکان طلاق سطح کمتری از کاغذ را برای ترسیم انتخاب کردند. هاشمی نیز به وجود تفاوت

معنی‌دار در وسعت ترسیم بین کودکان پرورشگاهی و غیرپرورشگاهی در نمونه‌ی پژوهشی خود اشاره کرده است (۸،۷). لازم به ذکر است که در مطالعه‌ی حاضر، بین کودکان دو گروه در وسعت ترسیم، تفاوت وجود دارد و کودکان مرکز شبانه‌روزی سطح کمتری از کاغذ را برای ترسیم انتخاب کردند که نمایانگر درون‌گرایی و پایین بودن اعتماد به نفس این گروه از کودکان است ولی این امر از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. در نیرویی که کودک برای ترسیم افراد از طریق قلم بر روی کاغذ وارد نموده تا آن‌ها را با خطوطی کم‌رنگ یا پررنگ نقاشی کند، بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی در پژوهش حاضر تفاوت معنی‌داری دیده نشد که این نتیجه با یافته‌ی هاشمی مبنی بر استفاده‌ی کودکان پرورشگاهی از خطوط کم‌رنگ همخوانی نداشت (۸). کودکان دو گروه نیروی زیادی برای ترسیم استفاده کرده و اشخاص را با خطوطی پررنگ کشیدند که مبین نیرومندی کشاننده‌ها یا رهاسازی‌گریزی است. در مورد جهت ترسیم با این که بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی تفاوت معنی‌داری دیده نشد ولی کودکان مرکز شبانه‌روزی بیشتر از کودکان خانواده‌های عادی نقاشی را از سمت راست کاغذ شروع کرده و به سمت چپ ادامه دادند که نشانه‌ی روندی رو به گذشته و غیرطبیعی است. بین کودکان دو گروه در پژوهش حاضر در مورد فاصله‌ی کودک از والدین، تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید که با یافته‌های ایروانی و همکاران و فائض همخوانی ندارد. آن‌ها اشاره کردند که کودکان طلاق خود را نسبت به کودکان غیرطلاق با فاصله‌ی بیشتری از والدین ترسیم نمودند (۶،۷).

البته در این پژوهش بیشتر کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی خود را دورتر از والدین ترسیم کردند که مبین وجود مشکل در رابطه‌ی والد و کودک و جدایی عاطفی بین آن‌ها و عدم احساس امنیت در کودک می‌باشد.

در پژوهش حاضر در اولین فرد ترسیم شده توسط کودک، بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت که با نتایج مطالعه‌ی فائض مبنی بر این که بین کودکان طلاق و غیرطلاق در اولین فرد ترسیم شده

¹Main, Kaplan and Cassidy

²Fury, Carlson and Sroufe

و همکاران و فائض همخوانی ندارد (۸-۶). با این وجود کودکان مرکز شبانه‌روزی در پژوهش حاضر، بیشتر از کودکان خانواده‌های عادی خودشان را از نقاشی حذف کردند و به عبارتی خود را در میان اعضای خانواده ترسیم نمودند. به نظر می‌رسد این کودکان به دلیل سپرده شدن به مراکز شبانه‌روزی بیشتر احساس عدم تعلق و عدم کفایت می‌کنند. بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی در پژوهش حاضر فقط در زمینه‌ی افزودن فردی جدید به اعضای خانواده تفاوت معنی‌داری وجود داشت. زمانی که به کودکان آزادی آفرینش یک منظومه‌ی خانوادگی مطابق میل خود را دادیم، بیشتر کودکان مرکز شبانه‌روزی نسبت به کودکان خانواده‌های عادی، افرادی غیر از اعضای خانواده را ترسیم نمودند. افزودن فرد جدید در نقاشی به هر شکلی که باشد (نوزاد، فرد مسن و حیوان) در واقع وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به آن چیزی است که کودک در واقعیت نمی‌تواند آن را محقق سازد (۱). گویا این کودکان نسبت به کودکان خانواده‌های عادی تحت ممنوعیت شدید کشاننده‌ها قرار دارند. با وجود آن که بین نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج مطالعات ذکر شده در برخی زمینه‌ها همخوانی وجود نداشت، نتیجه می‌گیریم که هر چند حضور والدین در کنار کودکان برای رشد عاطفی، ذهنی، اجتماعی و جسمی آن‌ها ضروری است، اما بسیاری از والدین به دلیل پایین بودن سطح تحصیلات‌شان در مورد نحوه‌ی رشد طبیعی کودک، نیازهای هر دوره‌ی رشدی و شیوه‌ی فرزندپروری مناسب آگاهی کافی ندارند و یا به خاطر شرایط سخت اقتصادی خانواده، والدین قادر به تامین امکانات این در تحصیلی و رفاهی و آموزشی لازم برای فرزندان نیستند. بنابراین زمینه‌ی تحصیلی و شغلی و سایر موارد به عنوان الگوهای نامناسبی برای کودکان به حساب می‌آیند. لذا علاوه بر حضور والدین، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده نیز در رشد کودک بسیار موثر است و همسان بودن شرایط کودکان دو گروه در پژوهش حاضر از تفاوت‌های بین آن‌ها ناشی از فقدان سرپرستی والدین در مورد کودکان مرکز شبانه‌روزی کاسته است. در این پژوهش همانند سایر مطالعات انجام شده بر روی کودکان با مشکل عدم همکاری آن‌ها در جریان کار

نیز تفاوت معنی‌داری دیده نشد همخوانی دارد (۶). کودکان در هر دو گروه پژوهش ابتدا به ترسیم یکی از والدین خود پرداختند که نشان‌دهنده‌ی اشتغال ذهنی کودکان در مورد والدین است. گاهی اوقات کودک، والدین خویش را منطبق با تصویری که از والدین خوب دارد، نمی‌یابد. در نتیجه اولین فردی که ترسیم می‌شود نشانه‌ی اوج توجه کودک به آن فرد است. لوویسل و سامسون^۱ با اجرای آزمون ترسیم خانواده بر روی ۸ زن که مادر خود را در خشونت‌های خانوادگی (قتل توسط پدر) از دست داده بودند، به این نتیجه رسیدند که حدود ۶ نفر از ۸ نفر آزمودنی‌ها ابتدا به ترسیم خواهر یا برادرشان پرداختند که با یافته‌ی مطالعه‌ی حاضر همخوانی ندارد (۱۸). بزرگ‌ترین فرد ترسیم شده توسط کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی یکی از والدین بودند و تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها وجود نداشت که با یافته‌های فائض همخوانی ندارد (۶). این یافته نیز نشانه‌ی دیگری از درگیری و اشتغال ذهنی کودکان دو گروه با والدین است.

در موضوع همسان‌سازی یا انتخاب فردی که کودک تمایل دارد جای او باشد، بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و عادی تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید که با نتایج حاصل از پژوهش هاشمی در این زمینه همخوانی ندارد (۸). با این وجود، کودکان مرکز شبانه‌روزی در پژوهش حاضر بیشتر تمایل داشتند تا جای والدین خود باشند و یا مانند آن‌ها شوند.

از مجموع نتایج حاصل از سه شاخص محتوایی آزمون ترسیم خانواده (اولین فرد ترسیم شده توسط کودک، بزرگ‌ترین فرد ترسیم شده، موضوع همسان‌سازی) که اشکال مختلفی از ارزنده‌سازی هستند این نکته به دست می‌آید که تفاوت معنی‌داری بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی دیده نشد که با یافته‌های هاشمی، ایروانی و همکاران و فائض همخوانی ندارد (۸-۶) و هر دو گروه بیشتر به ارزنده‌سازی والدین پرداختند. در زمینه‌ی آخرین فرد ترسیم شده و حذف کامل فردی از اعضای خانواده که هر دو بیانگر نارزنده‌سازی می‌باشند، بین کودکان مرکز شبانه‌روزی و خانواده‌های عادی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد که با یافته‌های هاشمی، ایروانی

¹ Lev-Wiesel and Samson

مواجه بودیم و از طرفی دیگر تعداد اندک کودکان پرورشگاهی در محدوده‌ی سنی مورد نظر، قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را کاهش می‌دهد. پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی آزمون ترسیم خانواده در میان کودکان ساکن مراکز شبانه‌روزی و کودکانی که در خانواده‌های عادی زندگی می‌کنند در سنین مختلف اجرا گردد، در حالی که تعداد کودکان محدود نباشد و نتایج، قابلیت تعمیم‌پذیری داشته باشند.

References

1. Corman L. [Child's painting (application of draw a family in clinic)]. 5th ed. Tehran: Roshd; 2008: 9-59. (Persian)
2. Marnat G, Robert L. Human figure drawings and house tree person drawing as indicators of self-esteem: A quantities approach. Clin Psychol 2002; 54(2): 219-22.
3. Ghasemi MH. [Child's painting expression their affects]. Journal of mental sanitary 2005; 12-13: 48-51. (Persian)
4. Salehi A. [Assessment worth of draw a family test in how communication of 4-6 years old children with family members]. MA. Dissertation. Tehran: Allameh Tabatabaei University, College of psychology and education sciences, 1995. (Persian)
5. Ebrahim Kafouri A. [A comparison of responses of 8 years old orphanage children and normal to Stanford-Binet test]. MA. Dissertation. Tehran: Tehran University, College of psychology and education sciences, 1977. (Persian)
6. Faez Z. [A comparison of drawing characters of divorce children and non-divorce in draw a family test in preschool stage]. MA. Dissertation. Tehran: Allameh Tabatabaei University, College of psychology and education sciences, 2005. (Persian)
7. Irvani M, Valizadeh Sh, Shafiee Fard Y. [A comparison of drawing characters of children in disruption and non-disruption family]. Journal of applied psychology 2007; 2(5): 9-22. (Persian)
8. Hashemi S. [A comparison of drawing characters of normal children and boarding house children in draw a family test]. MA. Dissertation. Tehran: Allameh Tabatabaei University, College of psychology and education sciences, 2003. (Persian)
9. Vakili N. [Assessment of drawing characters of normal children and orphanage children in draw a family test]. MA. Dissertation. Tehran: Tarbiat Modarres University, College of psychology and education sciences, 1992. (Persian)
10. Groth-Marnat G. [Handbook of psychological assessment]. 2nd ed. Tehran: Sokhan; 1997: 987. (Persian)
11. Bahrami H. [Clinical and diagnostic application of personality projective test]. Tehran: Dana; 1993: 290-6. (Persian)
12. Watkins CE, Campbell VL, Nieberding R, Hallmark R. Contemporary practice of psychological assessment by clinical psychologists. Prof Psychol Res Prac 1995; 26: 54-60.
13. Veltman M, Browne K. Trained rater's evaluation of kinetic family drawing of physically abused children. Arts Psychother 2003; 30: 3-12.
14. Milne L, Greenway Ph, Best F. Children's behavior and their graphic representation of parents and self. Arts Psychother 2005; 32: 107-19.
15. Main M, Kaplan N, Cassidy J. Security in infancy, childhood and adulthood: A move to the level of representation. Monograph Soc Res Child Dev 1985; 50: 66-104.
16. Fury G, Carlson E, Sroufe A. Children's representation of attachment relationships in family drawings. Child Dev 1997; 68: 1154-64.
17. Kilpatrick KL, Williams LM. Potential mediators of post-traumatic stress disorder in child witness to domestic violence. Child Abuse Neglect 1998; 22(4): 319-30.
18. Lev-Wiesel R, Samson T. Long-term effects of maternal death through paternal homicide evidenced from family of origin drawing. Arts Psychother 2001; 28: 239-44.